

چرا جلیلی، لاریجانی را با خود به رم برد؟

«محمد عطریانفر» عضو شورای مرکزی کارگزاران سازندگی حضور «علی لاریجانی» در کنار «سعید جلیلی» دبیر شورای عالی امنیت ملی در جریان مذاکرات با «خاویر سولانا» در رم را به دلیل موقعیت ضعیف جلیلی در نزد مذاکره کنندگان اروپایی ارزیابی کرد و خبر از آن داد که «الزما از لاریجانی خواسته شده در این سفر حضور داشته باشد».

عطریانفر با اشاره به تاثیر استعفای لاریجانی بر طرفهای مذاکره کننده اروپایی و روند پرونده هسته‌ای گفت: تغییر لاریجانی از نظر طرفهای مذاکره کننده اروپایی با علامت سؤال مواجه شده و خواهد شد اما در روند پیگیری مذاکرات به نظر می‌رسد به دلیل اینکه «سعید جلیلی» مسنول فعلی از موقعیت ضعیفی برخوردار است، نه عضو شورای عالی امنیت ملی است، نه نماینده رهبری است و نه واجد سوابق ممتد در گفت‌وگوها و دیپلماسی خارجی است، مذاکرات از توفیقات کمتری برخوردار خواهد بود.

وی بر همین اساس تصریح کرد: طبیعه این ناتوانی هم در ضرورت حضور لاریجانی در گفت‌وگوهای اخیر با سولانا دیده می‌شود که الزما از لاریجانی خواسته شده در این سفر حضور داشته باشد.

عطریانفر در بخشی دیگر از گفت‌وگویی خود با سایت آفتاب درباره استعفای لاریجانی گفت که نزد سیاست مردان، سیاستمداران و فعالان سیاسی این استعفا غیرمنتظره نبود.

این فعال سیاسی افزود: از مدت‌ها قبل اختلافات میان سیاست عملیاتی لاریجانی و نحوه نگاه و موضع‌گیری رییس جمهور بروز کرده بود به حدی که احمدی‌نژاد در جلسات علنی و حتی در سخنرانی‌های عمومی خود به صورت غیرمستقیم دبیر شورای عالی امنیت ملی را منتقدانه مورد خطاب قرار می‌داد.

وی تصریح کرد: آقای لاریجانی موقعیت برجسته‌ای در شورای عالی امنیت ملی داشت و عملاً به عنوان نماینده نظام و سخنگوی همه اعضای شورای عالی امنیت ملی و همچنین به نمایندگی از رهبری در مذاکرات شرکت می‌کرد.

عطریانفر اظهار داشت: به همین دلیل برای لاریجانی بسیار سنگین بود که رییس جمهور به عنوان یکی از اعضای شورا به خود اجازه دهد در هر شرایطی او را مورد انتقاد قرار دهد.

به اعتقاد وی، اختلاف نگاه و سلیقه احمدی‌نژاد و لاریجانی ریشه در مبانی دیدگاه‌های دیپلماسی دو طرف دارد و طبیعتاً پس از مدت‌ها اختلاف سلیقه و با شکل‌گیری یک بهانه ساده، رییس‌جمهور نسبت به تغییر دبیر شورای عالی امنیت ملی اقدام می‌کند.

سه شنبه ۱ آبان ۱۳۸۶ ساعت ۱۹:۳۰

گمانه زنی رسانه‌های روسیه درباره ایده ویژه پوتین

آفتاب: خبرگزاری نووستی روسیه در مطلبی به نقل از روزنامه نوویه ایزوستیا، به گمانه‌زنی درباره پیشنهاد مطرح شده از سوی ولادیمیر پوتین در جریان سفر اخیر رئیس‌جمهوری روسیه به تهران و ارتباط آن با استعفای علی لاریجانی از سمت دبیری شورای عالی امنیت ملی ایران پرداخته است:

خبری جنجالی از تهران شنیده شد: "علی لاریجانی" دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران و مذاکره کننده ارشد جمهوری اسلامی در رابطه با مشکل هسته‌ای این کشور، استعفا داد. امروز در رم مذاکرات با "خاویر سولانا" کمیسر عالی سیاست خارجه و امنیتی اتحادیه اروپا را "سعید جلیلی" دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی ایران انجام می‌دهد که ریاست هیئت ایران را نیز بر عهده دارد. سولانا که از سه روز قبل از مذاکرات از این مسئله با خبر شده بود، ابرو در هم کشید و بلافاصله خواستار اطلاعاتی درباره جلیلی شد. در وزارت خارجه روسیه نیز نمی‌توانند باور کنند که لاریجانی، مجرب‌ترین نماینده ایران در مذاکرات با ۱+۵ (پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد بعلاوه آلمان) می‌تواند یک ماه مانده به رای گیری در شورای امنیت درباره قطعنامه جدید درباره ایران استعفا دهد.

لاریجانی که پیشتر رئیس سازمان صدا و سیما ایران بود، دو سال و نیم قبل بعنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور منصوب شد. او فردی محافظه کار و میانه رو است. در عین حال کسی در لقب "علی‌آهنین" (آنطور که او را در حاشیه دیدار گروه ۱+۵

می نامیدند) شکی ندارد. حتی افرادی که در آنسوی میز مذاکرات می نشستند، برای صبر و خودداری لاریجانی احترام قائل بودند. پس چه اتفاقی افتاده است؟ چرا او ناگهان مقام خود را ترک کرد؟

تهران استعفای او را رسماً چنین اعلام کرد که خود لاریجانی بدین اصرار داشت و بخاطر مشکلات شخصی مدت بسیاری بود که می خواست از این عرصه کاری خارج شود. به خود این اجازه را می دهیم که به این اظهارات شک کنیم. اکنون برای ایران زمان این است که "دشواری های شخصی" را در نظر داشته باشد. توضیح منطقی تر و ساده تری نیز وجود دارد: لاریجانی که همیشه علناً و با قاطعیت نشان می داد که با غرب می توان دربارہ پرونده هسته ای به سازش رسید، یا دیگر نمی توانست و یا نمی خواست چنین ماموریتی را اجرا کند.

استعفای وی دقیقاً سه روز پس از آن بود که "ولادیمیر پوتین" رئیس جمهور روسیه تهران را ترک کرد که مسلماً نمی تواند بی ارتباط باشد. دیدار تاریخی رئیس جمهور روسیه از تهران که بیشتر رسانه های دولتی روسیه آن را بعنوان نمایش آشکارای دوستی ایران و روسیه به رخ غرب کشیدند، در حقیقت معنایی بسیار عمیق تر داشت. در ضمن باید گفت که همه مطبوعات ایرانی نیز از سفر پوتین استقبال نکردند: مطبوعاتی که از نظر ایدئولوژیک نزدیک تر به ایرانیان میانه رو هستند، تکنوکرات ها، برخوردی بسیار بدبینانه به دیدار داشتند، البته اگر به گفتن همین بسنده کنیم. در بیشتر مطبوعات ایرانی این موارد به چشم می خورد: "به روس ها نمی توان اعتماد کرد، آنها مطمئن نیستند. آنها سوگند دوستی یاد کردند و پس از آن دوبار در شورای امنیت رای موافق به قطعنامه های ضد ایرانی دادند. آنان عملاً پروژه بوشهر را نابود کردند و با ساختن بهانه "ناتوانی ایران در پرداخت" پاسخی برای درخواست آمریکا برای عدم تحویل سوخت هسته ای به ایران یافتند. ایران برای روسیه تنها موضوعی برای مبادله با آمریکاست". افراد متعصب که نزدیک به احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران هستند، نظر بسیار بهتری نسبت به روابط با روسیه داشتند، چرا که روابط خود با مسکو در زمینه همکاری های فنی و نظامی را در زمان وخامت در روابط با غرب در نظر دارند. اما هم اینان و هم دیگران ترجیح دادند که نتایج دیدار ولادیمیر پوتین را تفسیر نکنند. این کار را تنها یک نفر در ایران انجام داد: علی لاریجانی. او بود که علناً درباره "ایده ای ویژه" اعلام کرد که گویا پوتین با خود به ایران آورده بود و ایران "بررسی آن را آغاز کرده است". در عین حال لاریجانی نظر تقریباً مثبت خود نسبت به این ایده را نیز پنهان نکرد. به او اجازه ندادند که این موضوع را بازتر کند و پیامد، استعفای او بود. این یعنی اینکه مقامات ایران "ایده" را نپذیرفته اند. اما این ایده چه می توانست باشد؟ منابعی در محافل دیپلماتیک چنین گزینه ای را مطرح می کنند که نویسنده می تواند با آن موافقت کند.

بیروان دوستی ایران و روسیه معمولاً این را فراموش می کنند که ایران برای روسیه در دسر اصلی در سیاست خارجی را ایجاد کرد، یعنی استقرار سیر ضد موشکی آمریکا در لهستان و چک که آمریکا رسماً به بهانه دفاع در برابر موشک های ایران در صدد ساخت آن است. مسکو کمتر از غرب خواستار عادی سازی اوضاع پیرامون ایران نیست، زیرا اوضاع پیرامون مسئله استقرار سیر ضد موشکی در اروپای شرقی نیز تا حد بسیاری بدین وابسته است. در عین حال مسکو بعلت وخامت روابط ایران با غرب این فرصت را یافته که بلندپروازی های ایران در زمینه انرژی اتمی را به خود منتهی کند: تهران می خواهد طی ۲۰ سال بیش از ده نیروگاه اتمی بسازد که برای آن حدود ۶۵ میلیارد دلار اختصاص می یابد. با در نظر داشتن تجربه ساخت نیروگاه اتمی در بوشهر و نیز جو کلی همکاری، روسیه حق دارد که مدعی "تصاحب" این موجودی باشد. اما! برای این کار، ایران باید بداند که روسیه نهایتاً پروژه را به پایان می رساند. مسکو باید کاملاً در جریان برنامه های آمریکا در رابطه با ایران باشد. بدون حل مشکل هسته ای ایران، آمریکا نمی تواند به خود اجازه دهد که از عراق خارج شود.

در دیدار اخیر ولادیمیر پوتین و "آنگلا مرکل" صدر اعظم آلمان در ویسبادن، بسیار درباره ایران صحبت شد و سران دو کشور به نتیجه رسیدند که بیوند دادن بیشتر این دو مشکل، یعنی مسئله هسته ای ایران و دفاع ضد موشکی ضرورت دارد. بویژه که آمریکا به مسکو پیام داده که استقرار سیستم دفاع ضد موشکی در لهستان و چک می تواند به تعویق بیفتد، اما اگر ایران برنامه هسته ای خود را متوقف کند. عالی است! اگر در رابطه با سیر ضد موشکی واقعاً ایران است که آمریکا را نگران می کند، و ایران واقعاً قصد ساخت سلاح هسته ای ندارد، پس مسکو به هر دو وعده ای دوراندیشانه می دهد: ایران از اروپاییان فناوری چرخه کامل سوخت هسته ای را با ضمانت دیپلماتیک مسکو دریافت می کند. در عین حال مسکو برای ایران همه آنچه را برای نیروگاه اتمی مورد نیاز است، می سازد. در قبال آن واشنگتن نه تنها استقرار سیر ضد موشکی در لهستان و چک را حداقل تا سال ۲۰۱۵ به تعویق می اندازد، بلکه متعهد می شود که از تدابیر نظامی نیز علیه ایران استفاده نکند.

به گفته این منابع دیپلماتیک، ماهیت "ایده ویژه" که چند روز پیش توسط رئیس جمهور روسیه در تهران بیان شد، همین است. مقامات ایران در پاسخ وعده دادند که روی این مسئله بیندیشند.

ایرانیان مدت زیادی فکر نکردند. استعفای علی لاریجانی، بنظر می رسد همان پاسخ ایران است. چرا که یک: تهران همچنان کاملاً به روسیه اعتماد نمی کند. دو: کلاً به هیچ کس اعتماد نمی کند. در عوض، بنظر می رسد که نهایتاً باور کرده که مناقشه با آمریکا ناگزیر است. همین نیز "سومین" نکته خطرناک است.

"پاریس یونانوف"، روزنامه "نوویه ایزوستیا"، خبرگزاری «نووستی» روسیه